



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۰۹/۳۰

نویسنده: ن. جلیل زاد

پرتاب به گذشته

به قرن ۱۶ و ۱۷

پروژه نظام مند طالبان برای نابودی تمدن در افغانستان پرتاب یک جامعه انسانی از نیمه اول قرن بیست و یکم به وضعیت قرون شانزدهم و هفدهم، نیازمند مجموعه‌ای از اقدامات بنیادین، تخریبی، و بازدارنده است که نه تنها تکنالوژی و زیرساخت‌های مدرن را نابود می‌کند، بلکه ذهنیت و ساختارهای اجتماعی را نیز به عقب می‌برد. این قلم در ادامه می‌خواهد، نه تنها تحلیل علمی و مفهومی از پروژه عقب‌گرد طالبان بکند، بلکه فریاد یک ملت است که در تاریکی فرو رفته و چشم به بیداری جهان دوخته است.

این نوشته با زبان ساده، ساختار آکادمیک، و روح اعتراض ملی نوشته شده تا صدای افغانستان را به گوش تاریخ، وجدان جهانی، و حتی گوش‌های بسته طالبان برساند.

در این نوشته، چند مساله‌ای بنیادین را بررسی می‌کنیم که چگونه یک جامعه می‌تواند از عصر مدرن به عصر تاریکی سقوط کند.

این اقدامات، هم‌اکنون در افغانستان در حال اجرا هستند، و جهان باید صدای اعتراض این ملت ستمدیده را بشنود. این اقدامات، نه فرضیه‌ای تخیلی، بلکه واقعیت تلخ افغانستان امروز است. طالبان، با سازش‌ناپذیری ایدئولوژیک، نه تنها جسم، بلکه روح این ملت را هدف گرفته‌اند.

قطع اینترنت، ممنوعیت آموزش دختران، نابودی رسانه‌ها، و تحقیر فرهنگ، همه بخشی از پروژه «پرتاب به گذشته» هستند.

در قرنی که انسان به مرزهای هوش مصنوعی، استعمار فضا، و انقلاب‌های فرهنگی رسیده است، افغانستان به زور و خشونت به اعماق قرون شانزدهم و هفدهم پرتاب می‌شود.

این عقب‌گرد تاریخی، نه تصادفی است و نه ناشی از فقر صرف، بلکه پروژه‌ای آگاهانه و سازمان یافته از سوی طالبان و بنیادگرایان جهادی است که هدف آن، نابودی تمدن، خاموش‌سازی خرد، و دفن امیدهای یک ملت است.

این قلم، با نگاهی علمی و مفهومی مسایل بنیادین را بررسی می‌کند که چگونه یک جامعه می‌تواند از عصر مدرن به عصر تاریکی سقوط کند، و افغانستان امروز، تجسم زنده این کابوس است.

عصر روشن‌گری

در محاصره تاریکی

در حالی که جهان در حال تجربه‌ای جهش‌های علمی تکنالوژی و فرهنگی بی سابقه‌ای است، افغانستان در حال تجربه یکی از تاریک‌ترین عقب‌گردهای تاریخی است. طالبان، با سازش‌ناپذیری ایدئولوژیک، خشونت ساختاری، و تحقیر فرهنگی، پروژه‌ای را اجرا کرده‌اند که هدفش نه تنها کنترل سیاسی، بلکه نابودی تمدن و انسانیت است.

این پروژه، افغانستان را از نیمه اول قرن بیست و یکم به قرون شانزدهم و هفدهم پرتاب می‌کند، به عصری که جهل، اطاعت مطلق، و ترس، جای عقل، آزادی، و پیشرفت را گرفته بود.

اقدام بنیادگرایی اسلامی طالبانی

برای پرتاب یک جامعه به قرون تاریک

قطع کامل اینترنت و ارتباطات دیجیتال: طالبان با قطع اینترنت، افغانستان را از جهان جدا کرده‌اند، صدای مردم خاموش، دانش متوقف، و امیدها دفن شده‌اند.

نابودی زیرساخت‌های برق و انرژی مدرن، با بی توجهی به توسعه، برق در بسیاری از مناطق نایاب است، تاریکی نه تنها فیزیکی، بلکه نمادین است.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په ځیر و لولئ

توقف تولید و توزیع سوخت های عصر حاضر ، حمل و نقل، صنعت و گرمایش ، مردم به چوب و نفت خام محتاج اند و بازگشته اند. ممنوعیت وسایل نقلیه ، سرک و جاده ها ناامن، وسایل نقلیه مصادره یا نابود شده اند ، بازگشت به چهارپایان و پیاده روی.

تخریب کارخانه ها و مراکز صنعتی، تولید داخلی نابود، وابستگی به قاچاق و بازارهای سیاه. ممنوعیت آموزش علوم مدرن ، مکاتب تعطیل، دختران محروم، و علوم تجربی ممنوع. سوزاندن کتاب ها و منابع علمی پس از قرن هجدهم ، کتابخانه ها غارت، آثار علمی سوزانده و غیر استفاده شده اند ، حافظه جمعی در آتش.

منع استفاده از زبان های برنامه نویسی و کمپیوتر ها: نسل جوان از تکنالوژی محروم، آینده دیجیتال نابود. بازگشت به کشاورزی دستی بدون ماشین آلات و کود شیمیایی ، گرسنگی و قحطی در راه است. ممنوعیت داروهای مدرن ، طبیبان زن ، احیای طب سنتی ، مرگ های قابل پیشگیری افزایش یافته اند. تخریب شفاخانه در جنگ های بی افتخار و مراکز درمانی ، طبیبان فراری، تجهیزات مصادره، بیماران بی پناه. ممنوعیت نشر دیجیتال ، بازگشت به نسخه نویسی دستی ، روزنامه نگاری مستقل نابود، فقط تبلیغات ایدئولوژیک مجاز است.

حذف ساعت های دیجیتال و تقویم های علمی ، زمان سنجی علمی جای خود را به تقویم های مذهبی داده است. بازسازی نظام ارباب و رعیتی، فرماندهان محلی، اربابان جدید، مردم رعیت بی حق. لغو مالکیت خصوصی زمین ، بازگشت به سلطه اشرفی: زمین ها مصادره، مالکیت بی معنا، فقط اطاعت باقی مانده. ممنوعیت دموکراسی، احیای حکومت مطلقه مذهبی، انتخابات لغو، قانون اساسی بی اعتبار و وجود ندارد ، فقط فرمان و شلاق.

نابودی نظام بانکی و پول دیجیتال ، پول دیجیتال ممنوع، بانک ها نیمه تعطیل و بازار سیاه در رونق موقت. بازگشت به اقتصاد تهاتری ، فقر گسترده، بی ثباتی مالی.

ممنوعیت پوشاک صنعتی ، اجبار به لباس های سنتی دست دوز، تنوع فرهنگی ممنوع. ممنوعیت رسانه های جمعی ، بازگشت به منبر و جارچی ، فقط منبر و تهدید.

تخریب سیستم های آبرسانی و فاضلاب مدرن، بیماری های واگیردار، مرگ کودکان، بی بهداشتی مطلق. ممنوعیت مصالح ساختمانی مدرن ، بازگشت به گل، چوب و سنگ ، خانه ها فرسوده، زلزله خیز، بی پناهی گسترده. ممنوعیت سفرهای بین المللی ، تحمیل انزواگرایی ، افغانستان زندان بزرگ.

ممنوعیت کشاورزی علمی و اصلاح شده، تولید کم، گرسنگی بیشتر، وابستگی به کمک های خارجی. احیای خرافات و باورهای مذهبی به جای علم تجربی، عقل گرایی سرکوب.

لغو حقوق بشر ، بازگشت به مجازات های قرون وسطایی ، شکنجه، اعدام، تبعیض، انسان بودن جرم است. نبود سیستم های ثبت احوال و هویت دیجیتال ، افراد بی نام؛ کنترل مطلق.

ممنوعیت سازهای موسیقی ، بازگشت به صداهای ابتدایی ، هنر ممنوع، شادی جرم، فقط سوگواری مجاز. ممنوعیت هنرهای تجسمی مدرن ، بازگشت به نمادهای مذهبی، زیبایی سرکوب.

ایجاد فضای ترس، جهل و اطاعت مطلق، جامعه ای بی صدا، بی امید، بی فردیت. صدای

اعتراض یک ملت

این اقدامات، نه فرضیه ای تخیلی، بلکه واقعیت تلخ افغانستان امروز است . طالبان، با ایدئولوژی بنیادگرایانه، نه تنها جسم، بلکه روح این ملت را هدف گرفته اند .

اما افغانستان، فقط قربانی نیست . این ملت، با تاریخ مقاومت، با میراث امان الله غازی ، میرویس نیکه ، مولانا، بیدل، خوشحال خان، و با خون هزاران جانباز، سزاوار آینده ای روشن است .

صدای اعتراض باید بلندتر شود، باید گوش طالبان و جهان را کر کند . باید جهان بداند که سکوت در برابر این جنایت، همدستی است.

بیداری،

نه تسلیم

مبارزه با عقب گرد تاریخی، فقط با سلاح و سیاست ممکن نیست ، بلکه با اندیشه، هنر، و همبستگی جهانی . باید پوهنتون ها باز شوند، اینترنت وصل شود، دختران به مکتب بازگردند، و افغانستان دوباره به جهان متصل شود.

این مقاله، نه فقط تحلیل، بلکه فریاد است .

فرياد يک ملت که نمی‌خواهد به گذشته پرتاب شود. فرياد برای عدالت، برای آزادی، برای زندگی. افغانستان باید برخیزد . جهان باید بیدار شود . و تاریخ باید شاهد باشد که تاریکی، هرگز پایدار نخواهد ماند.

آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد